

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۷ نومبر ۲۰۲۰

## "گلبدین" و پشتونهای آنطرف "دیورند"!

دوشنبه- ۲۶ عقرب ۱۳۹۹ - کابل: از طریق رسانه ها مطلع شدیم که در تجمع بزرگی که امروز در "میرانشاه" توسط جنبش "حفاظت از پشتونها" برگزار شده بود، "محسن داور" یکی از رهبران آن جنبش، مواضع "گلبدین" را در قبال حاکمیت کابل مورد انتقاد قرار داده و صریحاً اعلام داشت که او به افغانستان بعد از دست رد مردم افغانستان به سینه اش در انتخابات گذشته، اکنون علیه حاکمیت شعار داده، در واقع با مراجعت به طرف طالب می خواهد از مردم افغانستان انتقام بکشد. در یادداشت امروز مکث کوتاهی در همین زمینه داریم:

۱ - آنهایی که از تاریخ تشکیل پاکستان، علل وجودی و اولویت های سیاسی آن کشور همزمان با رفتن "گلبدین" و بقیه جنایتکاران اسلام سیاسی به آن کشور بهتر از من اطلاع دارند، مطمئناً واقف هستند که حتی قبل از ایجاد پاکستان به مثابه یک غده سرطانی مذهبی در منطقه، کلاً دو روند در آنطرف دیورند در تقابل همدیگر قرار داشتند، یکی روند اعاده حقوق پشتونها و دیگری "اسلامیزه ساختن" مجموع حرکت جدائی طلبانه.

در حالی که زعمای شاخه های مختلف قوم پشتون با جدیت تلاش می ورزیدند تا از فضای به وجود آمده، برای آزادی خودشان از سیطره استعماری پنجابی ها که جانشین انگلیسها شده بودند سود ببرند، تلاشی که با تأسف از جانب حاکمان آنروز افغانستان در وجود غلامان دیره دونی انگلیس، یعنی خاندان غدار طلائی در همان مقطع هیچ نوع مساعدتی دریافت نداشتند و آنهایی که تلاش می ورزیدند تا پاکستان را به مثابه قلعه اسلام و برای دهه های بعدی بنیان گذاری نمایند و در رأس همه انگلیس بچه ای به نام "محمد علی جناح" که تمام عمرش را در انگلستان گذرانده، عملاً نوکر استخبارات خارجی انگلیس بود، قرار داشت؛ با برخورداری کامل از حمایت مالی انگلیس، موفق شد پاکستان را به کمک بخش هائی از زعمای خود فروش پشتونها چنان بنیان گذاری نماید که نتواند هیچ انگیزه ای را جایگزین "اسلامیزه ساختن" پاکستان نماید.

در همین جا بی مناسبت نیست افزوده شود، که یکی از نکات تاریک تاریخ آن دوران، مناسبات درونی بین خاندان غدار طلائی با دولت انگلیس در قبال تشکیل پاکستان است. حدسیاتی وجود دارد که گویا انگلیس ها سران خانواده را بدین امر معتقد ساخته بودند، که رفتن پای حمایت از پشتونها به جای "اسلامیزه ساختن" دولت جدید، امکان این که پشتونها در گام دوم به سلطه آن خانواده نقطه پایان بگذارند، نه تنها منتفی نیست، بلکه در چشمرس نیز قرار دارد، عامل اساسی

بوده که شاه و کاکاهایش برای حفظ حاکمیت خانوادگی شان، به پشتونها و جنبش آنها خیانت نموده باشند، نباید از نظر دور ماند.

در هر صورت پاکستان به مثابه اولین کشور در منطقه بر مبنای اسلام ایجاد شد. تضادی که بین "اسلامیزه" کردن و داعیه آزادی و تساوی حقوق پشتونها در زمان استعمار وجود داشت، به دولت تازه ایجاد پاکستان منتقل گردید، باز هم هر دو طرف با تمام قواء در پی تقویت مواضع شان برآمدند، در حالی که دولت پاکستان با برخورداری از حمایت انگلیس و حاکمیت دولتی تلاش می ورزید تا حمایت تمام کشور های به اصطلاح اسلامی به خصوص ارتجاع عرب را به طرف خود جلب نماید، داعیه تساوی حقوق و آزادی پشتونها که زیر بار خیانت طبقات حاکم قوم پشتون و همسویی آنها با دولت پاکستان کمرش خم شده بود، تنها امیدش را به کمکهای ناچیز هندوستان و بعد ها شوروی که از طریق خاندان طلائی آنهم از گاو غود و بعد از گرفتن حق خودشان به آنها می رسید، بسته، نبرد غیر عادلانه ای را ناگزیر تحمل می نمودند.

۲- در چنین شرایطی، "گلبدین" با بقیه جواسیس و نوکران اجانب ملبس به لباس مندرس و متعفن اسلام سیاسی به پاکستان رسیده، از همان نخستین روز های اقامت شان در پاکستان، به مثابه دست دراز استخبارات نظامی پاکستان، در تقابل خونین با جنبش پشتونها قرار گرفته، هرچه به دست شان رسید از تمام امکاناتی که زیر نام دفاع از "جهاد افغانستان" به پاکستان و از آن طریق به دست آنها می رسید، علیه جنبش پشتونها و در دفاع و تقویت باند های اسلامی استفاده و در برخی از مناطق، با مسلح ساختن اخوان پاکستان، در عمل جنبش تساوی طلبانه و آزادیخواهانه پشتونها را سرکوب نمودند.

با تمام این سوابق وقتی امروز می شنویم که جنبش "حفاظت از پشتونها"، علیه "گلبدین" موضع می گیرد، در واقع نمودی از بلوغ سیاسی شان را به نمایش گذاشته، به دوست و دشمن اعلام می دارند که من بعد با خاینان قوم پشتون، مماشات تباری ندارند بلکه آنها را به مثابه دشمنان خود می شناسند.

هموطنان گرامی!

عملکرد جنایتکارانه و خاینانه "گلبدین" در افغانستان به اثبات رسانیده، که برای وی نه قوم اهمیت دارد نه تبار و نه هم اسلام و اسلامخواهی. چیزی که برایش اهمیت دارد تأمین منافع و سیطره خودش انهم در وابستگی با استخبارات کشور های اجنبی. با چنین شناختی از "گلبدین" امیدوارم مردم ما هم با وی همان برخوردی را پیش گیرند که پشتونهای آنطرف خط دیورند، بدان عمل نمودند. جای افرادی از قماش "گلبدین" زباله دان تاریخ است، نه جای یافتن بین این و یا آن قوم.

**مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزء لاینجزای مبارزه علیه دولت دست نشانده می باشد!**

**سرکها ما را می طلبند!**